

تجسمی

پیرامون واکنش حراج تهران
به شایعه «پولشویی» در این رویداد
عیب می‌جمله‌چو گفتمی،
هنرش نیز بگو



ن. یویدا امیری

طی دوسه‌روز اخیر مؤسسه حراج هنر تهران با انتشار متنی نسبت به شایعه پول‌شویی در این حراج واکنش نشان داد. اتفاقی که موجب شد تا بخش زیادی از منتقدان را به تفکر وادار دو هم فضای رسانه‌ای راسخ‌تر کند. نکته اینجاست که حالا پس از سال‌ها فعالیت حرفه‌ای حراج تهران هنوز بعضی‌ها مغرضانه بیشترشان را به چکش تبدیل کرده‌اند و گویا کمر به ساقط کردن این مهم در عرصه هنر ایران بسته‌اند. به قول حافظ: «عیب می‌جمله‌چو گفتمی هنرش نیز بگو/ نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند» معتزفم که این نوشته و قاعه یک متن بی‌طرفانه است و یک یادآوری به دوستانم در عرصه هنرهای تجسمی هر چند در تمام عرصه‌های اجتماعی نیز شاهد چنین حرکت‌های مشابه بوده‌ایم. متأسفانه در فرهنگ عامه کشور ما سال‌ها و یا شاید قرن‌ها است که خودمان با پیشرفت خودمان مشکل داریم. حتی گاهی بدون اینکه غرض داشته باشیم از این رفتار ناآگاهیم. به گمان من باید آسیب‌شناسی شود هر چند قدر می‌کنم این رفتارها ریشه و منشأ و هنر و ویک‌علت از خرده‌فرهنگ‌های جاری در گوشه و کنار کشور عزیزمان داشته باشد.



به قول معروف هر وقت قطاری شروع به حرکت کرد بچه‌های لب خط، سنگ‌پرانی‌شان را شروع می‌کنند. شاید زمانی برای آن کودکان این حرکت یک سرگرمی بود چون به عواقب کارشان بی‌اطلاع بودند سال‌ها این کار را ادامه داده‌اند. اما امروز حرکت آن کودکان لب خط (ساکنان محله لب خط

در جنوب شهر تهران و حوالی ریل راه‌آهن) شاهد مثال خوبی شده است برای یک رفتار بد اجتماعی به خصوص در زمان حال. زمانی که بیشتر از همیشه به همدلی برای بهبود وضعیت زندگی اجتماعی و اقتصادی خودمان نیاز مندیم. باور کنید توجه به همین نکته به ظاهر کوچک می‌تواند برای عده زیادی از هنرمندان موثر و مفید باشد. حداقل در رفتار شخصی خودمان تجدیدنظری کنیم که چرا همواره سازناک می‌نوازیم!

حتمالاً قبیل واکنش‌های تند را در مورد حراج تهران، در این مدت از عمر فعالیت این مجموعه شاهد بوده‌اید که انگیزه نوشتن این متن شده است. البته من جامعه‌شناس و روانشناس نیستم اما از این متخصصان در خواست می‌کنم مطالب مرتبطی در این زمینه نشر دهند تا جهل من هم نسبت به موضوع کمتر بشود. آخر چرا ما با خودمان نامهربانی می‌کنیم؟ چرا علیه رویه‌های برمی‌خیزیم که به هنر کشورمان اعتبار و انتفاع مادی و معنوی می‌بخشد و درباره روندناجاش پیش از اظهار نظر کمی تحقیق و مطالعه نمی‌کنیم؟

تصویر می‌کنم این گونه همه‌هاریشه در درون خودمان دارد و اصلاحی به جریان‌های مافیای خارج از کشور ندارد. خوب است بدانیم که به گفته مسئولین حراج و همانطور که در سایت‌شان منعکس شده مجموعه حراج تهران در سال ۱۳۹۱ به صورت نهادی مستقل و خصوصی شکل گرفت. این حراج معرفی بهترین نمونه‌های هنر مدرن و معاصر ایران، از هنرمندان پیشگام و نام‌آشنا گرفته تا جوانان، به مجموعه‌داران هنری و مخاطبان جهانی را هدف اصلی خود قرار داده است. خوب طی این سال‌ها شده که منتقدان مطالبی بدون غرض و نفس این حرکت بنویسند؟ شاید من ندیده‌ام! انگار تا چیزی خلاف نظرمان است بدون داشتن هیچ سندی سعی بر انکار آن شخص یا حرکتی می‌کنیم و گاهی با تمام قوا به جنگ می‌رویم. از شما دوستان خواهشمندم مجدداً به همان بیت از حضرت حافظ که در ابتدای این متن آوردم دقت کنید. چون از این رفتاری که هر روز در پوست کسی بیافتیم هیچ چیز عایدمانی شود جز بیشتر عذاب کشیدن خودمان.



بی دلیل بودن لوکیشن تاریخی فیلم را تشدید می‌کند. بازیگردانی این فیلم هم بسیار بسیار ضعیف است. پرویز پرستویی به نوعی همان «حاج کاظم» فیلم «بادیگار» است. هادی حجازی فر هیچ تفاوتی با نقشش در «ماجرای نیمروز» یا «لاتاری» نداشت، تا جایی که حتی تکیه کلام‌ها هم به همان نحوی بود که از او بسیار شنیده شده است.

قرایی در ساختن جهان فیلم عقیم مانده و چون نمی‌تواند آن را برای مخاطبش باور پذیر کند، تا انتها از تباطلی بیسن بیننده و فیلم صورت نمی‌گیرد. باید بینیم در روزهای آینده آثار جشنواره به چه سمت و سویی می‌رود.

سالخورده» را خوانده باشد پیدا است که با یک اقتباس مواجه است. اما در ساخت این اثر چند سوال و مسئله اساسی وجود دارد. داستان این فیلم به ظاهر در دهه پنجاه شمسی می‌گذرد. اما همان‌هایی واقع‌گرا در فیلم وجود دارد که به بیننده نشانه‌هایی از یک برهه تاریخی می‌دهد، اما در روند فیلم هیچ دلیلی مبنی بر نقش زمان در فیلم تا انتها به مخاطب داده نمی‌شود.

در واقع اگر لباس شخصیت‌ها، ماشین‌ها و اسباب و وسایل راز را برای مخاطبش باور پذیر کند، تا انتها از تباطلی بیسن بیننده و فیلم صورت نمی‌گیرد. باید بینیم در روزهای آینده آثار جشنواره به چه سمت و سویی می‌رود.

درامی شکل نگرفته است و همه چیز در سطحی کم‌نوسان پیش می‌رود تا جایی که بیننده ممکن است از خود بپرسد که چه ویژگی در شخصیت‌ها، قصه، موضوع و روایت وجود دارد که او را به تماشای فیلم مجاب کند.

فیلم «بی‌همه‌چیز» ساخته محسن قرایی هم ساعت ۱۷ در برج میلاد به نمایش در آمد. فیلمی که عنوانی جذاب داشت. عنوانی که با کنار هم قرار گرفتن نام پرویز پرستویی و هدیه تهرانی جذابیت بیشتری پیدا می‌کرد. از همان ابتدا و از نقطه‌ای که بخشی از گروه داستان نمایان می‌شود برای کسی که نمایشنامه «ملاقات بانوی

باسی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر - ۲
روز نخست «بی‌همه‌چیز» بود



همه‌گیری نیستند. اگر چه مسئله اصلی قصه‌های او وجهی گسترده دارد. این اتفاق به دلیل آن است که صباغ‌زاده به مسئله روابط بین زن و شوهر یا دختر و پسرها می‌پردازد. شخصیت‌های فیلم او معمولاً هنرمند هستند و در آثارش از مشکلات و دغدغه‌هایی می‌گوید که به ظاهر میان جامعه هنری متداول است اما او نمی‌تواند با زبان علاقه‌هایش با مخاطب سخن بگوید. این علاقه‌ها در چارچوب یک روند دراماتیک عرضه نمی‌شوند و در همان سطح پوست‌ظاهری باقی می‌مانند و از این منظر است که جهان فیلم باورپذیر نیست. جهان فیلمی که در آن در حقیقت هیچ

صباغ‌زاده ظاهر بیرونی به شدت جذابی دارد، رنگ و لعابی متفاوت و شوخ و شنگی‌هایی مختص به خودش. فیلمی که در ظاهر تلاش می‌کند فرمی متفاوت را در روایت ارائه کند. فیلمی سراسر از جاع به کتاب‌ها، فیلم‌ها و نقاشی‌هایی که در عالم هنر از شهرت برخوردار هستند. اما همه این ظواهر جذاب به روایت و داستان فیلم هیچ کمکی نمی‌کند. انگار که صباغ‌زاده در این فیلم هم مانند فیلم قبلی خود «ایتالیا ایتالیا» خود افساگر می‌کند و درونیات و احوال خودش را به خورد مخاطب می‌دهد. کاراکترها، اتفاق‌ها و دغدغه‌هایی که در فیلم مطرح می‌شود دغدغه‌ها و مسائل



علیرضا پختی استوار

سی و نهمین جشنواره فیلم فجر سرانجام با حضور عوامل فیلم‌ها و اهالی رسانه در «برج میلاد» کار خود را آغاز کرد. در نخستین روز جشنواره که با عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و حاشیه‌های فراوان در این زمینه برگزار شد؛ دو فیلم برای اهالی رسانه به نمایش در آمد.
«رمانتیسیم عماد و طوبا»
اکران نخست که ساعت ۱۴ در سالن اصلی «برج میلاد» آغاز شد به فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبا» اختصاص داشت. دومین فیلم

موسیقی

در حاشیه انتشار آلبوم موسیقی ارکستر فیلارمونیک بین‌المللی ایرانی

حسرت بر نبوغ آهنگسازی یک رهبر ارکستر



بینا یاری

در خود دارد که همچنان بعد از گذشت پنجاه و اندی سال نبوغی از آهنگساز خود را نشان می‌دهد.
آلبوم موسیقی «ارکستر فیلارمونیک بین‌المللی ایرانی» اثر علی رهبری که اخیراً توسط موسسه ماهور منتشر شده است، حاوی قطعه بلندآوازه «توجه‌خوان»، کنسرتو ویولن، ساخته علی رهبری در سال ۱۳۴۷ است و زوایای بی‌شماری در نگاه کنونی بدان را می‌نمایاند. شیوه آهنگسازی جوان ۱۹ ساله‌ای که پیش از حضور در اروپا و تحصیل آهنگسازی و رهبری ارکستر، توانسته بود دنیای موسیقی ایرانی را بر گرفته از یک رویداد تاریخی چنان به موسیقی معاصر و کلاسیک غربی پیوند بزند که جز هنر در آن خطی پررنگ نباشد اکنون بعد از

انتشار یک اثر پس از سال‌ها که از انتشار اولیه آن می‌گذرد در قالب یک سی‌دی مجزا، به عنوان مدیای مرسوم زمانه، سوازی از اینکه نویدبخش در دسترس قرار گرفتن یک نسخه با کیفیت از اثری است که سال‌ها پیش به صورت صفحه منتشر شده و تا امروزه شاید بسیاری نتوانسته‌اند آن را در کیفیت قابل قبولی بشنوند جلب توجه کردن نگاه‌ها دوباره به آنچه در گذشته انجام گرفته است و راه‌هایی که کشف و طی شده. از این روای بسا به‌عنوان اثر هنری مورد پذیرش زمانه خود و سایر زمان‌های پس از خود، زوایای بسیاری



دینی نمی‌رفت؛ اما اثری که با ایده اولیه این سوژه ساخته شده نشانگر ذهنیتی است که در ۱۹ سالگی توانسته شگفتی‌آفرین و تحسین‌برانگیز باشد.
هر چند علی رهبری پس از تحصیل در اروپا و دو دوره پیاپی برنده شدن در مسابقات رهبری ارکستر فعالیتش را بر رهبری ارکستر

پنجاه و اندی سال پیش روی ماست تا دوباره نگاهی کنیم به زمانی که آهنگسازان جوان کشورمان چنین آثار نبوغ خویش را جلوه‌گر می‌ساختند و مقایسه کنیم با آهنگسازان هم‌دوره خویش که آن زمان در ایران در حوزه موسیقی کلاسیک، ایرانی و معاصر فعالیت می‌کردند.
این مقایسه ناخودآگاه صورت می‌پذیرد چرا که سال‌های ۴۶-۴۷ برای مطرح ساختن ایده‌گیری از حادثه عاشورا آن قدر رواج و جریان نداشته است و سفارش‌های این چنینی نیز به آهنگسازان داده نمی‌شد و ای بسا در آن دوران که بیشتر فضا به سمت ایده‌گیری و الگوگیری از دنیای مدرن رواج داشت کسی به سراغ سوژه‌های این چنینی ایرانی بر گرفته از رویدادی

هتل فردوسی رشت هاپیر مارکت نمی‌شود

گجبری‌های ظریف بر این هتل وجود دارد. در هتل چوبی است و دارای یک نشان فروهر بر سر دراصلی است. براساس آنچه دوستداران میراث فرهنگی شهر رشت گفته‌اند، خانه تاریخی چینی چنان رشت نیز در حریم درجه یک هتل تاریخی فردوسی رشت قرار دارد و گفته می‌شود مالک حتی به دنبال دریافت مجوز احداث یک هاپیر مارکت وسیع در ۵ طبقه است.
برای حفاظت از این بنای تاریخی کمیته‌های زیادی از سوی مردم در فضای مجازی تشکیل شده است. معاون میراث فرهنگی گیلان با بیان اینکه هتل فردوسی رشت به دوره پهلوی اول برمی‌گردد و قدمتی ۹۰ ساله دارد، گفت: پیگیر هستیم تا با ثبت ملی این بنای

خریداری کرده و قرار است با تخریب هم‌زمان سه پلاک با قدمت بیش از یکصدسال و بنای تاریخی هتل فردوسی رشت به‌برپایی یک هاپیر مارکت وسیع در مساحت ۲۰ هزار متر مربع آن هم در مرکز بافت تاریخی شهر رشت اقدام کند.
به گفته مردم رشت، نماینده این شهر در مجلس نیز از اقدام مالک مطلع است و در حالی که می‌توانست از خروج این اثر از فهرست آثار ملی جلوگیری کند این اقدام انجام نداده است. هم‌اکنون تمامی مغازه‌های پایین هتل تخلیه شده است و مالک در انتظار روز موعود تخریب هم‌زمان بناها در یک جمعه سیاه است تا زمینه احداث فروشگاه بزرگ تجاری خود را فراهم کند. هتل تاریخی فردوسی رشت یک ساختمان مستحکم است و یک سباباط نیز دارد. تزئینات سیمانی زیبایی نیز مانند



هتل فردوسی رشت متعلق به دوره پهلوی اول که در سال ۱۳۸۴ نخستین ساختمان شورای شهر رشت بود و بیشتر در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده بود، سال گذشته با شکایت مالک از فهرست آثار ملی کشور خط خورد و این روزها خبر رسیده که قرار است به‌زودی تخریب شود.
مالک این هتل پیشتر سه بنای واجد ارزش تاریخی دیگر را در همسایگی سرای تاریخی تخریب شده میخچلی رشت

تاریخی حفظ شود. مالک بنا در سال ۱۳۹۷ از میراث فرهنگی شکایت کرد که در نهایت رای دادگاه به نفع میراث ثبت شد؛ اما مجدد مالک با عنوان تعمیرات شکایتی را به دیوان عدالت اداری ارائه داد که در نهایت شعبه دو دیوان عدالت اداری ثبت بنا را ابطال می‌کند.
وی با بیان اینکه مالک نمی‌تواند هتل فردوسی را تخریب کند، گفت: پیشنهاد می‌کنیم مالک با مراجعه به میراث فرهنگی از مزایای تسهیلات مشارکتی بهره‌مند شده و این بنای تاریخی را در قالب هتل بوتیک حفظ کند.
جهانی خاطر نشان کرد: در حال حاضر پیگیر هستیم تا خیابان شریعتی رشت و بناهای ارزشمند موجود را احداث میدان شهرداری تا میدان آب ثبت ملی کنیم و این بنا هم در این محدوده قرار دارد، با ثبت این محدوده از ابنیه تاریخی موجود بانظرات میراث فرهنگی حفاظت و صیانت می‌شود.